

بررسی سندی و محتوایی نامه

امام رضا (علیه السلام) به حاکم طیس

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۸
محمد باقری^۱، حمیدرضا ثنائی^۲

چکیده

سرگذشت حسین بن موسی الکاظم، برادر امام هشتم (علیه السلام) همچون بسیاری از امامزادگان تا حدودی مبهم است. یکی از زوایای تاریک حیات وی مکان دفن اوست که اقوال متعددی درباره آن وجود دارد. او بنا به گزارش مشهور، در شهر طیس به خاک سپرده شده است. از جمله مستندات مربوط به دفن وی در طیس، نامه‌ای منسوب به امام رضا (علیه السلام) خطاب به حکمران طیس است که گمان می‌رود درباره وی نوشته شده است. در این نامه از اخبار رسیده درباره قصد نوجوانی از عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دوازده ساله به نام حسین برای آمدن به طیس و سکونت در آن شهر سخن گفته شده و از حکمران - که بنا به ادعای نامه، عامر بن زروامهر نام داشته - خواسته شده آن حضرت را در یافتن وی یاری برساند و به محض اطلاع از او، امام را از آن آگاه سازد. مسئله مقاله حاضر اعتبارسنجی صدور چنین نامه‌ای از سوی امام (علیه السلام) است. برای نیل به این مقصود، سند و محتوای نامه با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. نتایج از وجود اشکال‌های سندی و محتوایی متعدد در این نامه پرده برمی‌دارد. واحد بودن خبر، نقل متن نامه در منبعی متأخر، ناشناخته بودن عامر بن زروامهر، ناسازگاری سن حسین مذکور در نامه با برخی از گزارش‌های تاریخی و نارسایی ادبی و اغلاط املائی موجود در نامه، از جمله مهم‌ترین اشکال‌های سندی و محتوایی آن شمرده می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

امام رضا (علیه السلام)، حسین بن موسی، طیس، عامر بن زروامهر، منشی‌باشی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه فردوسی مشهد: m84bagheri@gmail.ir
۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): hr.sanaei@um.ac.ir

مقدمه

امامزادگان فرزندان بی‌واسطه یا باواسطه امامان (علیهم‌السلام) هستند. زادگاه بیشتر ایشان حجاز و به‌ویژه مدینه بوده است. با این‌همه، عوامل مختلفی همانند فشار حکام زمانه و فراهم‌نبودن بستر زندگی آرام سبب شد بسیاری از ایشان موطن خویش را ترک کنند و سختی آوارگی و سکونت در غربت را بر خود هموار سازند. پراکندگی مقصد مهاجرت امامزادگان به وسعت قلمرو سرزمین‌های اسلامی بوده است؛ ولی شمار فراوانی از ایشان به جهت شرایط سیاسی و فرهنگی شرق قلمرو خلافت، این بخش از قلمرو اسلامی را هدف کوچ خویش قرار دادند. از همین روست که امروز شاهد و زیارتگاه‌های بسیاری در ایران مشاهده می‌شود که به امامزادگان منسوبند. در این میان، نام برخی از برادران امام‌رضا (علیه‌السلام) نیز در فهرست امامزادگان مدفون در ایران دیده می‌شود. کوچ ایشان احتمالاً به‌خاطر حضور امام هشتم در خراسان یا گریختن‌شان از چنگ عمال خلیفگان عباسی بوده است.

یکی از برادران امام‌رضا (علیه‌السلام) که زیارتگاه‌های متعددی در ایران به او نسبت داده شده، حسین بن موسی است که قلت اطلاعات منابع کهن و معتبر درباره وی، سرگذشت وی را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است. موضوع مهم مطرح درباره وی مکان دفن اوست که گزارش‌ها و دیدگاه‌های متعددی درباره آن وجود دارد. یکی از این گزارش‌ها از دفن وی در شهر طبس سخن می‌گوید و گنبد و بارگاه نسبتاً باشکوه منسوب به او که امروز در شهر طبس سربرافراشته، آن را تأیید می‌کند.

بنابراین، یکی از مسائل مهم مطرح درباره وی مکان دفن اوست که بررسی مبسوط آن مجال دیگری را می‌طلبد (اخوان مهدوی، ۱۳۹۵: ۴۱۳-۴۳۳)، ولی آنچه در این جا اهمیت دارد، مستندات است که هر کدام از گزارش‌ها و دیدگاه‌ها بدان اتکا دارد. یکی از مستندات تأییدکننده دفن امامزاده در طبس، نامه‌ای است که گفته می‌شود امام هشتم (علیه‌السلام)، برادر امامزاده، خطاب به والی وقت طبس نوشته است. اظهاری در مقاله خود با عنوان «امامزاده طبس» درباره دفن حسین بن موسی در طبس آورده

است: «در باب این انتساب، مردم [طیس] به نامه‌ای استناد می‌کنند که منسوب به حضرت رضا (علیه السلام) است» (اظه‌ری، ۱۳۴۷: ۱۴۲). امام در این نامه از حکمران طیس که در نامه، عامر بن زروامهر خوانده شده، می‌خواهد اگر اطلاعی از حسین - که قصد عزیمت به طیس و سکونت در آن داشته - یافت، آن حضرت را از آن آگاه سازد.

مسئله اساسی در مقاله حاضر آن است که آیا چنین نامه‌ای به‌واقع از سوی امام (علیه السلام) صادر شده و اگر پاسخ مثبت است، آیا نامه مذکور همین نامه‌ای است که به دست ما رسیده است. پاسخ به این مسئله بررسی سندی و محتوایی نامه را می‌طلبد و این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، سند و محتوای نامه را بررسی و از صحت و سقم آن پرده برمی‌دارد. پرسش‌هایی در راستای مسئله اساسی مقاله مطرح است. در بحث سند نامه می‌توان پرسید که آیا منبع معتبری از این نامه‌نگاری سخنی به میان آورده است؟ متن نامه در چه منبعی نقل شده است و آیا این منبع متقدم و معتبر است؟ در بحث محتوا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا منبع معتبری از عامر بن زروامهر خبر داده است؟ همچنین می‌توان از سازگاری عناصر سازنده محتوای نامه با آن دسته از حقایق تاریخی سؤال کرد که پیش‌تر درباره امامان هفتم و هشتم (علیهما السلام) به اثبات رسیده است. از جمله این عناصر می‌توان به سن حسین بن موسی و مدتی که از مفقود شدن وی می‌گذرد، تاریخ و سال نگارش نامه و لقب حاکم طیس اشاره کرد.

۱. پیشینه تحقیق درباره نامه

اولین پژوهش درباره امامزاده حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام) با نام «امامزاده طیس» را محمدرضا اظه‌ری^۱ در شماره ۳۳ و ۳۴ مجله نامه آستان قدس در سال

۱. محمدرضا اظه‌ری در سال ۱۳۰۰ش در طیس به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۲ در مشهد از دنیا رفت. وی مقطع کارشناسی را در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند و سپس به شغل معلمی مشغول شد. مقالات متعدد وی در مجلات زمان خود چاپ شده است. مجموعه مقالات وی با تلاش محمد باقری در کتاب اظه‌ری نامه؛ مجموعه مقالات محمدرضا اظه‌ری (مشهد: خانه آبی، ۱۳۹۴) گردآوری و چاپ شده است.

۱۳۴۷ش به چاپ رسانده است. (اظه‌ری، ۱۳۴۷: ۱۳۹-۱۴۵؛ همان، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۴۴) اظه‌ری مقاله خود را با تشریح موقعیت جغرافیایی بنای امامزاده، جایگاه امامزاده در میان مردم طبس و شهرهای اطراف آغاز کرده سپس به تشریح بنا، راهروها، نقاشی‌ها، گچ‌بری‌ها، ایوان‌ها، صحن امامزاده و کتیبه موجود در امامزاده می‌پردازد. با توجه به ویرانی کلی شهر طبس در زلزله بزرگ سال ۱۳۵۷ش و به تبع تخریب بقعه امامزاده، توصیفات اظه‌ری از بنای امامزاده حائز اهمیت است. وی در ادامه، روایات شفاهی موجود میان مردم درباره امامزاده را ارائه کرده است.

در این مقاله برای اولین بار از نامه منسوب به امام رضا (علیه السلام) خطاب به حاکم طبس یاد شده است. اظه‌ری این نامه را از نسخه خطی دیوان منشی باشی نقل کرده است (اظه‌ری، ۱۳۴۷: ۱۴۳). با آنکه گویا قصد اظه‌ری صرفاً نقل این خبر بوده و خود در عباراتی کوتاه در اصالت آن تردید کرده است (همان: ۱۴۰-۱۴۱) آثاری که پس از وی درباره امامزاده حسین بن موسی (علیهما السلام) نوشته شده، نامه را صحیح پنداشته و بدان استناد جسته‌اند.

گویا نسخه دیگری از این نامه در اختیار شخصی به نام شیخ حجت الهی بوده است. در مرداد سال ۱۳۶۵ که کنگره جهانی امام رضا (علیه السلام) برگزار شد، شخص مذکور این نامه را در اختیار علی احمدی میانجی، مؤلف مکاتیب/الائم (علیهم السلام) قرار داد و او آن را در اثر خویش گنجاند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۵: ۳۰۱-۳۰۳). از آنجا که الفاظ برخی از مواضع نامه در مکاتیب/الائم (علیهم السلام) با متن نامه در اثر منشی باشی تفاوت دارد^۱، گویا این نسخه دیگری از نامه مذکور است.

پس از نشر مقاله اظه‌ری، این نامه در کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در ادامه ذکر خواهد شد، صحیح پنداشته شده و اساس کار قرار گرفته است. مواضع سخن از این نامه در این آثار، در پاورقی ذکر شده است.

۱. حسین بن موسی ستاره پرفروغ آسمان کویر نوشته بزرگ عالمزاده (مشهد: به نشر، ۱۳۷۷:

۱. نک: ذیل «نقد محتوا»، ش ۹.

۵۳-۴۳).

۲. «برادر امام رضا (علیه السلام) یادگاری از سلاله پیامبر (صلی الله علیه و آله) در طبرستان»، از همان مؤلف (طبرستان پژوهی، مشهد: خانه آبی، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۰).

۳. گمشده بنی هاشم، خورشید نورانی کویر عشق حسین بن موسی بن جعفر (علیهما السلام) نوشته محمد رضا دهدست (بی نا: بی تا، بی جا: ۱۹-۲۲).

۴. جغرافیای تاریخی و توریستی طبرستان به قلم رستم صابری فر و زهرا فتحی (همدان: روشن، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۷).

۵. طبرستان شهری که بود، بناهای تاریخی طبرستان نگارش یعقوب دانش دوست (تهران: سروش، ۱۳۷۶: ۷۵-۷۲).

۶. طبرستان، وارث میراث فرهنگی، نوشته محمود امینی و سعید برقی (طبرستان پژوهی، مشهد: خانه آبی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۸).

۷. خورشیدی در دل گلشن؛ سیر و کنکاش شخصیت امامزاده حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام) در منابع از علی ابراهیمی و زهرا بهروزی (در مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش پژوهشی بزرگداشت حضرت حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام)، تهران: فکر بکر، ۱۳۹۳: ۲۵۳-۲۵۴).

۸. نگین کویر در میقات الرضا (علیه السلام)؛ شرحی بر زندگی حضرت حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام) برادر حضرت امام رضا (علیه السلام) که توسط آستان مبارک امامزاده تهیه شده است (طبرستان: آستان حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام) بی تا: ۳-۴).

۹. حضرت حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام) پرتوی از نور ولایت به قلم حسن فروزان (طبرستان: آستان مبارک حسین بن موسی الکاظم، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۵).

۱۰. حسین بن موسی الکاظم (علیهما السلام) کوکب آستانه خورشید، پسر نازدانه توحید از همان نویسنده (طبرستان: آستان مبارک حسین بن موسی الکاظم، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۶).

۲. نامه و منبع آن

چنان‌که اجمالاً بیان شد، نامه مورد بحث نخستین‌بار در یکی از آثار محمدعلی منشی‌باشی (د. ۱۳۴۵ق) آمده است. میرزا محمدعلی منشی‌باشی فرزند زین‌العابدین در سال ۱۲۶۷ق در تربت‌حیدریه به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ق در طبس وفات یافت. وی از طبعی نیکو و قریحه‌ای سرشار و خطی خوش برخوردار بود. او در جوانی در مشهد با میرزا باقرخان عمادالملک اول، حاکم طبس، که در سفری در مشهد به سر می‌برد، آشنا شد و جذب او گردید و برای همیشه به طبس مهاجرت کرد و سمت دبیری دیوان رسائل حاکم طبس را برعهده گرفت. او در سفر و حضر با والی همراه بود و پس از وی، تا پایان عمر در همین منصب به فرزندانیش نیز خدمت کرد. او لقب منشی‌باشی را به یمن تصدی همین منصب داشت. چهار نسخه خطی از او باقی مانده است: دیوان اشعار، شلغم شوروا، شغال نامه و روزنامه خاطرات. از این میان، تنها روزنامه خاطرات تصحیح و منتشر شده است (منشی‌باشی، ۱۳۹۴: هجده - بیست).

چنان‌که در پیشینه ذکر شد، اظهاری در مقاله خود گفته است که متن نامه را از دیوان خطی منشی‌باشی نقل کرده است (اظه‌ری، ۱۳۴۷: ۱۴۳). این نامه و ترجمه آن در دیگر کتاب وی، روزنامه خاطرات نیز نقل شده است (منشی‌باشی، ۱۳۹۴: ۱۹۷-۲۰۱). در ادامه اصل و ترجمه نامه آمده است. ترجمه ایرادهایی دارد که در این جا تصحیح شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

من علی بن موسی بن جعفر الرضا

الی عامر بن زروامهر؛ مرزبان الطبیین

سلام علیک فأتی احمد الیک الله الذی لا اله الا هو و اسئلك ان تصلى علی محمد عبده و رسوله صلى الله علیه و آله و سلم. الحمد لله الاحد الصمد القاهر، فوق عباده القادر علی ما یشاء من امره، الذی یجیر من استجاره و یعیز من استعاده، ملک الملوک و رب الارباب، لیس احد یسابق الی نفسه قسم له و لا یصارف عنها جرى القلم به فأتقوا له فی السرّ و العلانیه.

اما بعد فأتته عرضت لنا من الامور و الحاجه ما لا اعتمد علی احد بهذه الناحیه دونک و أن الله فقد ولد من اولاد قریش من عترة النبی صلى الله علیه و آله قد ورثتی حزنه المسمى بالحسین قد راهق الحلم و کان من ابن اثنی عشر سنه، اسمر اللون، فی بیاض عینه الیمنی نقطة الحمراء، ناتئ الوجنتین، سبط الشعر، طویل ساعده، اطول من سائر الناس، منذ اتی علیّ فقدته تسع سنین و قد بلغنا أنه قصد الی هذه الناحیه بآبی خراسان واقفاً بهما فأسئلك ان تستعین بأولیائک و تتولّى اثر هذا المفقود فإن وجدته فبیّن لی بعد ما یصحّ عندک الصفه و الحلیه لأقف واسئلك تعاهده و بره و لطفه ازاحه علتہ ان یرد الله بخبره المعظم المتفرق و اکرم و اکتب الیّ بما تُعرضنّ لک بهذه الناحیه دقیقک و جلیلک تجدنی عند ذلک موثقاً إن شاء الله تعالی و احفظ امر الله عزوجل و وصیته فی سوره النساء الکبری (إن الله یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل إن الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً ... و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول)

و السلام علیک و رحمه الله و برکاته و علی جمیع اولیائک المسلمین المستضعفین المطیعین بطاعة الله و رسوله صلى الله علیه و آله. کتب ذلک فی شعبان سنة تسع و تسعین و مائة من الهجرة النبویه.

بسم الله الرحمن الرحيم

از علی بن موسی بن جعفر الرضا

به عامر بن زروامهر، مرزبان طبسین

سلام بر تو، من و تو خداوند را ستایش می‌کنیم که غیر از او خدایی نیست و از تو مسئلت می‌کنیم بر محمد صلی‌الله‌علیه و آله‌وسلم بنده و پیامبرش درود فرستی. ستایش خدای یکتایی را سزااست که از همهٔ جهانیان بی‌نیاز است و همه به او نیازمندند.

آن خدای قاهری که برتر از همه است و بر آنچه بخواهد و اراده کند تواناست. خدایی که هر کس او را بخواند او را اجابت کند و آن کس که بدو پناه برد او را پناه دهد. شاه شاهان و پرورندهٔ پرورش‌یافتگان است و هیچ موجودی بر وجود مقدّسش مقدّم نیست و برای او هیچ جایگزینی وجود ندارد. از این روی، قلم بر حمد و ثنایش در گردش است. باید که در نهان و آشکار از نافرمانی خدا بپرهیزید.

اما بعد، کاری و نیازی برای ما پیش آمده است که در آن ناحیه جز بر تو بر هیچ کس اعتماد ندارم و آن این است که پسری از اولاد قریش و از عترت پیغمبر صلی‌الله‌علیه و آله مفقود شده است که فقدانش موجب حزن و اندوه من گردیده است. او به حسین موسوم است و نزدیک به سنّ بلوغ و دوازده‌ساله است. رنگ چهره‌اش گندم‌گون است و در سپیدهٔ چشم راستش نقطه قرمزی است. گونه‌هایش برجسته است و موهایش صاف و نرم است. بازوانش طویل و از بازوان سایر مردم بلندتر است. از زمانی که مفقود شده است نه سال می‌گذرد. آگاهی یافتیم که او قصد آن ناحیه که دو دروازه خراسان است کرده و قصد دارد در آن جا سکونت گیرند. از تو می‌خواهم که به‌وسیله دوستانت ما را یاری کنی و این گم‌شده را پیگیری کنی و چنانچه او را یافتی پس از آن که صفات و مشخصاتش در نزد تو مسلم گشت، مرا از جریان آگاه ساز و در این کار درنگ مکن و از تو خواستارم که با او غمخواری و نیکی

و مهربانی کنی تا اینکه خداوندی که بر همه ولایت دارد، او را به خانواده بزرگوارش که پریشان گشته است برگرداند و از راه کرم کارهای کوچک و بزرگی که در آن ناحیه برایت پیش می‌آید برایم بنویس که ان شاء الله تعالی مرا در انجام آن موفق خواهی یافت و فرمان و سفارش خدای عزوجل را که در سوره مبارکه نساء می‌فرماید حافظ باش که *إن الله يأمرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل* ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً ... و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شی فردوه الی الله و الرسول.

سلام و رحمت خدا بر تو و جمیع دوستان مسلمانان که شنونده و مطیع به طاعت خدا و پیغمبر - صلی الله علیه و آله - هستند. این نامه در ماه شعبان سال ۱۹۹ هجرت نبوی نوشته شد (اظهری، ۱۳۴۷: ۱۴۵-۱۴۳).

۳. نقد سند و محتوای نامه

نامه اشکال‌های متعددی دارد که در مقاله حاضر در دو بخش سندی و محتوایی ارائه شده‌اند. موارد اول، ششم و نهم از ایرادهای محتوایی، پیش‌تر توسط برخی از نویسندگان بیان شده که در مقاله حاضر به آنها ارجاع داده شده است.

۱.۳. نقد سند

۱. هیچ کدام از منابع تاریخی، رجالی، حدیثی و... متقدم بر کتاب منشی‌باشی، این نامه را نیاورده‌اند و حتی از آن هم یاد نکرده‌اند. با توجه به نقش برجسته امام رضا (علیه السلام) در دوره اقامت ایشان در خراسان به عنوان ولیعهد خلیفه، انتظار می‌رود منابع متقدم از آن یاد کرده باشند؛ ولی جای تعجب است که نخستین بار منشی‌باشی در سده ۱۴ ق، ذکری از آن به میان آورده است.

۲. منشی‌باشی در روزنامه‌ی خاطرات از رؤیت اصل نامه به یاری یکی از سادات در سال ۱۳۳۵ ق سخن گفته و سپس سواد آن را عرضه کرده است. او می‌نویسد: «مدتها پی پی بودم که آن دست‌خط مبارک به دست آورده، زیارت کنم تا این وقت که سنه یک‌هزار و سیصد و سی‌وپنج هجری است، آن دست‌خط مبارک را به دست‌یاری جناب مستطاب شریعت‌مآب، ... حاجی آقا سیدکاظم ... زیارت کرده، چشم روشن و قلبم گلشن گردید و تیمناً و تبرکاً در این‌جا درج شد.» (منشی‌باشی، ۱۳۹۴: ۱۹۷). سخنان او در دیوان اشعارش در این‌باره با مضمون آنچه در روزنامه‌ی خاطرات آمده تفاوت دارد. او در دیوانش نیز به رؤیت اصل نامه اشاره کرده اما می‌گوید که آن را نزد متولی امامزاده، میرزا غلامحسین متولی، دیده، بوسیده و سپس استنساخ کرده است. محمدرضا اظهري ضمن گزارش این حکایت، از قول آگاهان محلی طبرس می‌نویسد: پس از مرگ متولی، اصل نامه از ورثه‌ی وی گرفته شده تا به کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی سپرده شود؛ ولی هرگز این اتفاق نیفتاده و از خصوصیات و نامه‌ی مزبور در این کتابخانه اثری به دست نیامده است (اظهري، ۱۳۴۷: ۱۴۲؛ همان، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۱).

اگر نگوییم هر دو حکایت، قطعاً یکی از آن دو نادرست است؛ زیرا به فرض وجود اصل نامه، اولاً این سند واحد بوده و همزمان در دو جا نمی‌توانست وجود داشته باشد؛ مگر آنکه نامه پس از مرگ متولی به دست حاجی سیدکاظم افتاده باشد؛ ولی در این صورت نیز باز مشکلی دیگر مطرح می‌شود و آن اینکه منشی‌باشی در دو اثر خود هرگز از زیارت و رؤیت مجدد اصل نامه سخن نگفته است. فارغ از قضاوت درباره‌ی اقوال متفاوت و گیج‌کننده‌ی منشی‌باشی درباره‌ی کیفیت رؤیت اصل نامه که اصل موضوع را با تردید جدی مواجه می‌سازد، به هر رو، مسلم است نامه‌ای که اصل شمرده می‌شده، اکنون موجود نیست. با این‌همه، باقی ماندن اصل نامه تا زمان حیات منشی‌باشی در سده ۱۴ ق نیز بعید به نظر می‌رسد.

۲.۳. نقد محتوا

امامان شیعه (علیهم السلام) برای ارتباط با شیعیان خود شبکه وکالت را شکل دادند و هرچه به پایان عصر امامت نزدیک می‌شویم فعالیت این شبکه پررنگ‌تر می‌شود. اوج آن را در زمان امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) و امام زمان (عج) مشاهده می‌کنیم. معمولاً امامان (علیهم السلام) اگر در منطقه یا شهری خواسته‌ای داشتند، از طریق شبکه وکالت انجام می‌دادند. شیعیان هم اگر سؤال‌های شرعی داشتند و یا می‌خواستند خمس و زکات خود را به امام برسانند، از طریق وکلا انجام می‌دادند. البته شمار اندکی مانند علی بن یقطین، از یاران امام کاظم (علیه السلام) نیز بوده‌اند که در دستگاه خلافت نفوذ می‌کردند. بسیار بعید می‌نماید که امام رضا (علیه السلام) برای آگاهی از امری به کارگزار دستگاه خلافت نامه بنویسد؛ بلکه معقول‌تر آن است که از طریق وکیلان خود موضوع را پیگیری کند.

۱. در نامه آمده است: «در آن ناحیه جز بر تو بر هیچ کس اعتماد ندارم». با توجه به آنکه سال نگارش این نامه در خود آن، سال ۱۹۹ ق گزارش شده، امام هنوز در این زمان راهی مرو نشده و از این رو، ولیعهد خلیفه نبوده است. امام رضا (علیه السلام) در روز دوشنبه هفتم ماه رمضان ۲۰۱ ق ولیعهد شدند و مردم با ایشان بیعت کردند (یعقوبی، ۱۳۷۲ ق، ج ۲: ۴۶۵). با این وصف، حاکم مورد نظر باید شیعه یا متمایل به شیعیان بوده باشد. از آنجاکه حاکم طیس تابع عباسیان بوده، شیعه یا متشیع بودن وی بعید به نظر می‌رسد.^۱

۲. در متن نامه آمده است: «آگاهی یافتیم که او قصد آن ناحیه که دو دروازه خراسان است کرده و در آن جا ساکن است». این عبارت حاکی از آن است که فرد یا افرادی خبر حضور حسین در طیس را به امام رضا (علیه السلام) رسانده‌اند. پس طبیعی است که این فرد یا افراد مورد اطمینان‌ترند تا امام (علیه السلام) از طریق آنها خبری از حسین بگیرد تا عامر بن زروامهر که حاکم محلی وابسته به عباسیان بوده است.

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۴۶۳).

۳. نام عامر بن زروامهر به عنوان حاکم طبرس در زمان مأمون در هیچ منبع تاریخی و غیرتاریخی پیش از منشی‌باشی تا سده ۱۴ق ذکر نشده است.

۴. حسین مذکور در این نامه در سال ۱۹۹ق دوازده ساله بوده است و بر این اساس، سال ولادت وی باید ۱۸۷ق بوده باشد. منابع در میان پسران امام کاظم (علیه السلام) از وجود پسری به نام حسین سخن گفته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۳۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۱۶۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۶۵؛ نویری، ۱۴۳۲ق، ج ۲۲: ۱۳۴) ولی هیچ کدام تاریخ ولادت وی را ثبت نکرده‌اند. هارون در سال ۱۷۹ق پس از سفر حج دستور داد امام کاظم (علیه السلام) را در بند کنند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ۳۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۱۶۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۶۵؛ نویری، ۱۴۳۲ق، ج ۲۲: ۱۳۴). امام کاظم (علیه السلام) پس از تحمل چهار سال حبس (ابن شعبه، ۱۳۵۲: ۴۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۲۲) سرانجام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ق در زندان به شهادت رسید (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۰۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۳۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲: ۲۱۵). در زمانی که امام کاظم (علیه السلام) در زندان به سر می‌برد جز برخی از عمال عباسی، کسی از محل نگهداری او اطلاع نداشت و به همین منظور چند بار محبس را تغییر دادند. پس طبیعی است که هیچ کدام از همسران امام (علیه السلام) در مدت این چهار سال با ایشان زندگی نمی‌کرده‌اند و فرضاً اگر بپذیریم طی این مدت همسران یا یک همسر آن حضرت هم با ایشان بوده‌اند، سال ۱۸۷ق سال ولادت حسین بن موسی نمی‌تواند صحت داشته باشد؛ زیرا چنان‌که گفته شد امام در سال ۱۸۳ق به شهادت رسید. همچنین اگر فرض بگیریم که حسین بن موسی (علیهما السلام) در آخرین سال حبس پدر یعنی ۱۸۳ق متولد شده باشد، سن وی در سال ۱۹۹ق باید ۱۶ بوده باشد و اگر در سال‌های پیش از به زندان افتادن امام کاظم (علیه السلام) به دنیا آمده باشد، در سال ۱۹۹ق باید حداقل ۲۰ سال سن می‌داشت.

۵. در این نامه مشخص نشده است شخصی که نامه درباره وی نوشته شده پسر امام موسی کاظم (علیه السلام) است بلکه صرفاً آمده پسری از اولاد قریش از عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که نامش حسین است^۱. بنابراین، هویت شخصیت موضوع نامه کاملاً مشخص نیست.

۶. در متن نامه آمده است: «از زمانی که [این کودک] مفقود شده است نه سال می‌گذرد». بر این پایه، حسین مذکور در نامه در سه سالگی مفقود شده است. چگونه کودکی سه‌ساله خود به سفری به این دور و درازی می‌رود؟ همچنین امکان اینکه وی را در آن سن ربوده باشند، بعید می‌نماید.

۷. از آنجاکه بر اساس محتوای نامه، حسین مذکور در سه سالگی گم شده، آگاهی این کودک از هویت و انتساب خویش به خاندان امام کاظم (علیه السلام) با تردید جدی مواجه خواهد شد.

۸. متن نامه به لحاظ سبک نگارش، دستور زبان عربی و املائی کلمات، ضعف و کاستی دارد. بنابراین، با توجه به جایگاه علمی امام رضا (علیه السلام) نمی‌توان پذیرفت که این نامه را آن حضرت نوشته باشد؛ مگر بگوییم در متن نامه تصحیف‌هایی راه یافته است. به نوشته احمدی میانجی، با اغلاطی که در تصویر نامه پدید آمده تنها با مراجعه به اصل نامه می‌توان به نتیجه مطلوب دست یافت (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۹-۲۱۰). افزون بر آن، چنان که پیشتر گفته شد، الفاظ نامه در دو نسخه موجود از نامه - که یکی در اثر منشی‌باشی و دیگری در مکاتیب الائمة (علیهم السلام) درج شده - متفاوت نقل شده که حاکی از دست‌کاری متن نامه است. از جمله اغلاط و جملات مبهم نامه، به عبارت «قسم له» در جمله «لیس احد یسابق الی نفسه قسم له» یا «وأن انه فقد ولد من اولاد قریش» می‌توان اشاره کرد که عبارت و مفهوم آنها مبهم یا غلط به نظر می‌رسد. چنان که گفته شد، برخی از بخش‌های نامه در دو نسخه موجود متفاوت نقل شده است. به عنوان نمونه، «فاتقوا له فی السر و

۱. نخستین بار اظهار در مقاله خود به این اشکال اشاره کرده است (اظهري، ۱۳۴۷: ۱۴۲).

العلانیه» در نسخه موجود در مکاتیب الائمه (علیهم السلام) «فاتقوا الله فی السر و العلانیه» و عبارت «لایصارف عنها» به صورت «لایصارف فیما» آمده است (همان، ۱۴۲۶ق: ج ۵، ۳۰۱-۳۰۳).

۹. چنان که در متن نامه آمده است: «کارهای کوچک و بزرگی که در آن ناحیه برایت پیش می آید برایم بنویس که ان شاء الله تعالی مرا در انجام آن موفق خواهی یافت». عبارت مذکور را تنها می توان زمانی پذیرفت که امام رضا (علیه السلام) ولیعهد بوده باشد. امام رضا (علیه السلام) منصب ولایتعهدی را در هفتم رمضان سال ۲۰۱ق پذیرفتند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۷: ۵۵۴) اما در سال ۱۹۹ق که هنوز آن حضرت در مدینه به سر می برد، آیا می توانست حاکم یک شهر یا ولایت را خطاب قرار داده و از او چنان درخواستی کند و وعده دهد درخواست های ریز و درشت وی را اجابت خواهد کرد؟

۱۰. با توجه به احادیثی که از حسین بن موسی بن جعفر (علیهم السلام) نقل شده، او در سال ۱۹۹ق بیش از ۱۲ سال داشته است. در ادامه برخی از این احادیث نقل و بررسی شده است.

حسین بن موسی (علیهما السلام) گفت: پدرم، موسی بن جعفر (علیهما السلام) هر وقت تصمیم می گرفت به حمام برود دستور می داد سه مرتبه حمام را آتش کنند به گونه ای گرم می شد که نمی توانست وارد شود. هنگامی که سیاهان حبشی برای پدرم فرش می گسترند، وارد می شد. سپس گاهی می نشست و گاه می ایستاد. روزی در زمان خارج شدن پدرم از حمام، مردی از اولاد زبیر، به نام کُنید، به او برخورد. کُنید در دست اثر حنا داشت. گفت: این نشانه روی دستت چیست؟ عرض کرد: حنا. پدرم گفت: وای بر تو! پدرم که دانشمندترین فرد زمان خود بود از پدرش از جدش نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفت: هر کس داخل حمام شود ابتدا نوره بکشد و سپس از فرق سر تا کف پا را حنا بمالد، از جنون و جذام و برص و خارش پوست تا زمانی که دوباره نوره بکشد، در امان است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۱۱۰-۱۱۱؛ همان، ۱۳۵۵: ۹۶).

این حدیث نشان می‌دهد که حسین بن موسی (علیهما السلام) در زمان حیات پدر بزرگوار خود پیش از سال ۱۷۹ق، که در آن امام کاظم (علیه السلام) برای نخستین بار در زندان جور هارون گرفتار آمد، خردسال نبوده است؛ زیرا توصیف حمام رفتن و ملازمت با امام و نقل دقیق تمام سخنان و رفتارها از یک کودک خردسال بعید می‌نماید. با فرض صحت حدیث، احتمالاً او در این زمان در سنین نوجوانی بوده است.

همچنین از او روایت شده که گفت همراه با جمعی از جوانان بنی هاشم گرد حضرت رضا (علیه السلام) بودیم که به ناگاه جعفر بن عمر علوی پژمرده و بدحال و با جامه‌ای کهنه از کنار ما گذشت. برخی از ما به یکدیگر نگاه کردیم و به هیئت او خندیدیم. حضرت رضا (علیه السلام) گفت: به زودی او را ببینید که مال بسیار و متابعانی بی‌شمار داشته باشد. تنها یک ماه یا مدتی در همین حدود نگذشت که جعفر بن عمر والی مدینه و حالش نیکو شد و با همراهی خواجه سرایان و خدم و حشم از کنار ما می‌گذشت و این جعفر همان جعفر بن محمد بن عمر بن حسن بن علی بن عمر بن حسن بن علی بن ابی طالب است (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۴۵۶-۴۵۷، ترجمه غفاری و مستفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ۵۰۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۳۳؛ اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۵۳؛ مجلسی، ۱۳۸۰: ۲۵، ۲۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۰۳).

عبارت «نحن شباب من بنی هاشم» در این حدیث بیانگر جوانی حسین بن موسی (علیهما السلام) در دوران امامت امام رضا (علیه السلام) است. بنابراین، به نظر می‌رسد او در آغاز امامت امام رضا (علیه السلام) یعنی در محدوده سال‌هایی پس از سال ۱۸۳ق، جوان بوده است. همچنین از این روایات معلوم می‌شود که وی در سنین نوجوانی و جوانی در مدینه زندگی می‌کرده است.

نتیجه

در هیچ کدام از منابع معتبر و متقدم سخنی از نامه‌نگاری امام‌رضا(علیه‌السلام) به حاکم طبرس دربارهٔ برادرش، حسین بن موسی(علیهماالسلام) به میان نیامده است. فارغ از این مسئله، نامهٔ منسوب به آن حضرت خطاب به والی طبرس که در روزنامهٔ خاطرات منشی‌باشی و دیوان شعر او نقل شده، دارای اشکال‌های سندی و محتوایی متعددی است. از نظر سند، متن نامهٔ مذکور در هیچ منبع معتبر و متقدم ذکر نشده و یگانه منبع آن، آثار منشی‌باشی(د. ۱۳۴۵ق) است که منابعی متاخر مربوط به سدهٔ ۱۴ق هستند. منشی‌باشی در دو کتاب دیوان اشعار و روزنامهٔ خاطرات مدعی است اصل نامه را دیده است، ولی گزارش‌های وی در این دو کتاب در کیفیت رؤیت اختلاف دارند و این امر تاحدودی اصل موضوع را با تردید مواجه می‌کند. با فرض پذیرش رؤیت نامه‌ای که اصل شمرده می‌شده، باقی‌ماندن سند نامه در شرایط عادی نگهداری اسناد در خانه یا شبه آن از سدهٔ سوم تا سدهٔ چهاردهم هجری بعید به نظر می‌رسد.

از اشکال‌های سندی که بگذریم، ایرادهای محتوایی جدی و متعددی در این نامه دیده می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نخست: عامر بن زروامهر که به ادعای نامه، والی وقت طبرس بوده، در هیچ‌یک از منابع موجود نام برده نشده است. دوم، سن حسین مذکور در نامه با تاریخ حبس و شهادت امام موسی کاظم(علیه‌السلام) همخوانی ندارد. به عبارت دیگر، با فرض آنکه حسین مذکور در نامه، حسین بن موسی(علیهماالسلام) است و با توجه به آنکه امام هفتم در سال ۱۷۹ق به زندان خلیفه هارون مبتلا شد و در ۱۸۳ق به شهادت رسید، حسین بن موسی(علیهماالسلام) نمی‌توانست در سال ۱۹۹ق دوازده‌ساله بوده باشد. سوم، امام‌رضا(علیه‌السلام) در نامه به عامر که قرار است در یافتن حسین به آن حضرت یاری برساند، وعدهٔ انجام کارهایش را می‌دهد. از آنجاکه امام در سال ۱۹۹ق هنوز ولایتعهدی خلیفهٔ وقت را تقبل نکرده بود، وعدهٔ انجام کارهای حکمران پیش از

ولایتعهدی، نامعقول به نظر می‌رسد؛ هرچند با نظر به شرط امام در دخالت نکردن در امور، حتی اگر نامه به پس از تصدی ولایتعهدی هم مربوط بود، آن حضرت چنین وعده‌ای به این حکمران نمی‌داد. چهارم، گم شدن کودکی سه ساله از خاندان امام کاظم (علیه السلام) و یافت شدن وی، ۹ سال پس از آن در شهر طیس بعید به نظر می‌رسد. پنجم، ایرادهای موجود در متن نامه به لحاظ ادبی و اغلاط املائی آن، اصل وجود چنین نامه‌ای را مخدوش می‌سازد. ششم، مضمون نامه با احادیث منقول از حسین بن موسی (علیهما السلام) سازگاری ندارد.

در مجموع، به نظر می‌رسد نامه توسط شخصی - که از لحاظ علمی در سطح بالایی قرار نداشته - نوشته شده و به امام رضا (علیه السلام) منسوب گردیده است. بنابراین، گویا این نامه مکتوبی جعلی است که جاعل آن اطلاعات اندکی از سیره امامان هفتم و هشتم (علیهما السلام) و حتی آگاهی مختصری از زبان عربی داشته است. شاید انگیزه جعل چنین نامه‌ای اثبات دفن حسین بن موسی (علیهما السلام) در طیس بوده است.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، ابوالحسن علی. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (بی تا). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. مترجم: محمد تقی آقاجانی اصفهانی. تهران: اسلامیه.
- _____ (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. مترجم: علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید. تهران: صدوق.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۵۲). *تحف العقول عن آل الرسول*. تصحیح: علی اکبر غفاری. کتابفروشی اسلامیه.
- ابن عنبه، احمد بن علی. (۱۴۲۵ق). *عمدة الطالب فی انساب آل ابیطالب*. تحقیق: مهدی رجایی. قم: مکتبه آیه اله العظمی مرعشی نجفی.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۱۱ق). *مکاتیب الامام الرضا (علیه السلام)*. مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا.
- _____ (۱۴۲۶ق). *مکاتیب الائمة (علیهم السلام)*. قم: دارالحدیث.
- اخوان مهدوی، علی. (۱۳۹۲). *حسین بن موسی کاظم (زندگانی، شخصیت، آرامگاه)*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۹۵). «کنکاشی پیرامون آرامگاه های منسوب به حسین بن موسی کاظم (علیهما السلام)». ذکر جمیل؛ جشن نامه دکتر مهدی جلیلی. به کوشش: مهدی مجتهدی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۲). *کشف الغمّه*. ترجمه و شرح زواره ای. تصحیح: ابراهیم میانجی. تهران: اسلامیه.
- اظهري، محمدرضا. (۱۳۹۴). *اظهري نامه؛ مجموعه مقالات محمدرضا اظهري*. به کوشش: محمد باقری. مشهد: خانه آبی.
- _____ (۱۳۴۷). «امامزاده طبس». نامه آستان قدس، ش ۳۳ و ۳۴.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد. (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العربیه.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج*. تصحیح: ابراهیم بهادری و محمد هادی. تهران: اسوه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)*. ترجمه اعلام الوری باعلام الهدی. مترجم: عزیزالله عطاردی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). *تاریخ طبری*. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالمعارف.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهجد*. بیروت: مؤسسه فقه شیعه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۵۵). *زندگانی حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)*. (ترجمه جلد ۴۸ بحار الأنوار)، مترجم: موسی خسروی. تهران: اسلامیه.
- _____ (۱۳۸۰). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)*. (ترجمه جلد ۴۹ بحار الأنوار)، ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *مسار الشیعه*. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.

– منشی‌باشی، میرزا محمدعلی. (۱۳۹۴). *روزنامه خاطرات منشی‌باشی*. به کوشش: محمد باقری. مشهد: آوای حکمت و بدخشان.

– نویری، شهاب‌الدین احمد. (۱۴۳۲ق). *نهایه‌الارب فی فنون‌الادب*. قاهره: مطبعه دارالکتب المصریه.

– یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب. (۱۳۷۹ق). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار صادر.